



Execution of foreign arbitral awards in Iran with emphasis on the New York International Convention

Ali Asnaashari¹, Nader Mardani^{2*}, Ahmad Asadian³

1. PhD Student in International Law, University of Edalat, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran.

3. Assistant Professor of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 57-71

Article history:

Received: 26 Oct 2021

Edition: 24 Nov 2021

Accepted: 8 Feb 2022

Published online: 5 Mar 2022

Keywords:

Identification and Enforcement,
Execution of Votes, Commercial
Arbitration, New York Convention

Corresponding Author:

Nader Mardani

Address:

Department of Law and Political
Science, Shiraz University, Shiraz,
Iran.

Orchid Code:

0000-0002-2241-6811

Tel:

09173139662

Email:

drnadmardani@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Arbitration is one of the ways to resolve disputes between individuals that is considered by many businessmen today, especially in business and contracts, and has many applications in the season of hostility. In this article, we aim to identify and enforce commercial arbitration awards in Iran and in the 1958 New York Convention.

Materials and Methods: The present article is a descriptive-analytical method and research tool, taking notes from library resources.

Ethical considerations: In all stages of writing the article, the principles of honesty and trustworthiness have been observed.

Results: The findings indicate that considering that this type of proceedings, firstly: due to the specialized aspect, secondly due to the elimination of many bureaucracies and special court procedures, thirdly due to the low cost and fifthly due to the short process of proceedings Based on the International Commercial Arbitration Law and the New York Convention, the recognition and enforcement of foreign arbitral awards in Iran is prescribed.

Conclusion: The end of judgment is its execution, and without execution it is futile. The New York Convention is the most important and common international instrument for enforcing foreign arbitral awards. Due to the accession of most countries to the 1958 New York Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitration, foreign arbitration is currently practiced in the countries covered by this convention. Considering the elimination of various stages and speed in arbitration, it is necessary to implement foreign arbitral awards in Iran.

Cite this article as:

Asnaashari A, Mardani N, Asadian A. Execution of foreign arbitral awards in Iran with emphasis on the New York International Convention. *Economic Jurisprudence Studies* 2021-2022; Review on New Researches of Jurisprudence and Law.

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق، ۱۴۰۰

اجرای آرای داوری خارجی در ایران با تأکید بر کنوانسیون بین‌المللی نیویورک

علی اثنی عشری^۱، نادر مردانی^{۲*}، احمد اسدیان^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه عدالت، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: داوری یکی از طرق حل و فصل اختلافات بین اشخاص است که امروزه بخصوص در امور تجاری و قراردادهای مورد توجه بسیاری از تجار قرار گرفته و کاربرد بسیاری در فصل خصومت دارد. هدف ما در این مقاله، شناسایی و اجرای آرای داوری تجاری در ایران و در کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک پردازیم.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و ابزار تحقیق، فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش مقاله اصول صداقت و امانت‌داری رعایت گردیده است.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از این است که با عنایت به اینکه ضرورت اجرای آرای داوری و رسیدگی از طریق داوری در اول: بدلیل جنبه تخصصی بودن، دوم بدلیل حذف بسیاری از بروکراسی‌ها و تشریفات خاص دادرسی، سوم با عنایت به کم هزینه بودن و چهارم بدلیل روند کوتاه رسیدگی با تکیه بر قانون داوری تجاری بین‌المللی و کنوانسیون نیویورک شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی، با حذف مراحل طولانی دادرسی در محاکم، کمک شایانی به تجار، در حل اختلافات تجاری نموده است.

نتیجه: غایت داوری اجرای آن است و بدون اجرا امری عبث و بیهوده است. کنوانسیون نیویورک مهمترین و رایج‌ترین سند بین‌المللی برای اجرای آرای داوری خارجی است. در حال حاضر به دلیل الحاق اکثر کشورها به کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک در مورد شناسایی و اجرای داوری خارجی، داوری خارجی در کشورهای مشمول این کنوانسیون اجرا می‌شود. با عنایت به حذف مراحل مختلف (بدوی، تجدید نظر و...) و سرعت در داوری، ضرورت اجرای آرای داوری خارجی در ایران احساس می‌گردد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۱-۵۷

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۴

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

واژگان کلیدی:

شناسایی و اجرا، اجرای آراء، داوری تجاری، کنوانسیون نیویورک.

نویسنده مسئول:

نادر مردانی

آدرس پستی:

ایران، شیراز، دانشگاه شیراز، گروه حقوق و علوم سیاسی.

تلفن:

۰۹۱۷۳۱۳۹۶۶۲

کد ارکید:

0000-0002-2241-6811

پست الکترونیک:

drnadmardani@gmail.com

۱. مقدمه

با پیشرفت جوامع بشری و گسترش روابط اقتصادی و تجاری بین اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی در روابط داخلی و بین‌المللی، اختلافات گسترش یافته است. با وجودی که مراجعه به دادگاه‌های دادگستری از طرق عادی حل و فصل دعاوی می‌باشند ولی تشبث به داوری بخصوص در دعاوی تجاری بین‌المللی دارای اهمیت فراوان است. از جمله مزایای حل اختلافات از طریق داوری که بیشتر تجار در روابط تجاری و تنظیم قراردادها از آن بهره می‌برند شامل:

۱- رأی داور در عین حالیکه قاطع دعوی است ولی مانند محکومیت در دعاوی موجب قطع وحدت روابط تجاری نشده و در اکثر موارد تجار به رأی داور بدون مراجعه به دادگاه تمکین کرده و روابط تجاری خود را با یکدیگر ادامه می‌دهند.

۲- دعاوی تجاری در اغلب موارد واجد جنبه‌ی تخصصی بوده و حل و فصل آن مستلزم استفاده از اطلاعات تخصصی و حرفه‌ای در عرف تجاری و توجه به اوضاع و احوال خاص است که رجوع به داوری را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. در اینگونه موضوعات تخصصی، اقامه دعوی از طریق موازین عادی دادرسی بسیار مشکل بوده و حتی بسیاری از دلایل و مدارک مورد استناد را نمی‌توان در یک مرجع قضایی اقامه کرد.

۳- تشریفات دادرسی در کلیه کشورها طولانی است که به هیچ وجه با طبیعت دعاوی تجاری سازگاری ندارد. در حالی که داوران نه تنها در بسیاری از موارد به موجب قرارداد داوری ملزم به

حل دعوی در مدت محدودی هستند بلکه از جهت معافیت از رعایت بسیاری از تشریفات دادرسی عملاً در مدت بسیار کوتاه‌تری دعوی را خاتمه می‌دهند.

۴- مخارج حل و فصل دعاوی از طریق داوری همواره کمتر از مخارج محاکمه و حق الوکاله وکیل است و بخصوص در دعاوی تجاری بین‌المللی مراجعه به داوری اصحاب دعوی را از بسیاری از مشکلات حقوق بین‌الملل خصوصی از قبیل تشخیص دادگاه صلاحیت‌دار، انتخاب قانون صلاحیت‌دار آسوده می‌سازد.

۵- شناسایی و اجرای احکام خارجی بسیار سخت‌تر و مشکل‌تر از شناسایی و اجرای احکام خارجی در کشورها است.

هدف از ارجاع اختلاف به داوری حل اختلاف و اجرای رأی داوری می‌باشد که در زمینه‌ای خاص خاصه در امور تجاری صادر شده باشد.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر به شیوه توصیفی- تحلیلی و ابزار تحقیق، فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

۳. ملاحظات اخلاقی

از ابتدا تا انتهای مقاله اصول صداقت و امانت‌داری عایت گردیده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از این است که با عنایت به اینکه این نوع رسیدگی‌ها اولاً: بدلیل جنبه تخصصی بودن، ثانیاً بدلیل حذف بسیاری از بروکراسی‌ها و

قوانین و مقررات ایران و توسط داوران ایرانی مورد رسیدگی قرار گرفته و حل و فصل شود. چنین رأیی مبتنی بر داوری داخلی است (زاهدیان و بزمی میاوان، ۱۴۰۰، ۱۳۶-۱۰۹).

۵-۱-۳. داوری خارجی

برای تشخیص رأی داوری داخلی از خارجی مهمترین معیار، تابعیت رأی داوری است. از میان معیارهایی که برای تشخیص «تابعیت» رأی داوری ارائه شده دو معیار جغرافیایی (محل صدور رأی داوری) و (قانون حاکم بر داوری) از همه رایج‌تر است (جنیدی، ۱۳۸۱، ۳۸).

از جمله عوامل دیگر، تابعیت طرفین اختلاف طبق بند ب ماده ۱ ق.د.ت.ب. «ب - داوری بین‌المللی عبارتست از اینکه یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داوری به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد» است.

مثلاً اصحاب دعوی انگلیسی بوده ولی ضمن قرارداد رجوع به داوری قانون قابل اجرا را قانون فرانسه تعیین کرده و یا داوران خود را از اتباع آلمان انتخاب کرده باشند و نهایت رأی داوری در سوئیس صادر شده ولی موضوع مورد اختلاف در ایران واقع شده و نتیجه رأی داوری باید در ایران اجرا شود. به عبارت دیگر می‌توان اینگونه تعریف کرد، هر رأی داوری که در قلمرو یک کشور خارجی صادر شده و بنا به توافق اصحاب دعوی جایگزین حکم محکمه خارجی گردیده و بوسیله یک مرجع قضایی صلاحیت‌دار خارجی دستور اجرای آن صادر شده باشد.

تشریفات خاص دادرسی، ثالثاً با عنایت به کم هزینه بودن و خامساً بدلیل روند کوتاه رسیدگی با تکیه بر قانون داوری تجاری بین‌المللی و کنوانسیون نیویورک شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی در ایران تجویز می‌گردد.

۵. بحث

۵-۱. تعاریف مفاهیم

در این قسمت سعی شده است اصلاحات فنی و تخصصی را مورد مطالعه قرار دهیم.

۵-۱-۱. داوری

داور یا حکم: «حکم» به معنای قضا، داد، حکومت، قضیه، فصل دعوای دو تن و بیشتر به فرمانی (دهخدا، ۱۳۷۷، ۶، ۸۰۴۲).

اما صراحتاً اصطلاح داوری در بند الف ماده ۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی اینگونه تعریف شده است: «"داوری" عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه بوسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی‌الطرفین و یا انتصابی.»

۵-۱-۲. داوری داخلی

داوری داخلی به معنای اخص عبارت است از داوری که کلیه عوامل متشکله‌ی آن چون ماهیت داوری، تابعیت طرفین دعوی و داوران، قانون قابل اجرا و محل اجرای رأی داوری مربوط به قلمرو سیاسی و جغرافیایی یک کشور باشد. مثلاً زمانی که موضوع اختلاف بین دو نفر تبعه ایرانی در کشور ایران طبق

۵-۱-۴. شناسایی و اجرا

در بند ۲ ماده ۳۵ قانون داوری تجاری بین‌المللی «در صورتی که یکی از طرفین از دادگاه موضوع ماده ۶ این قانون درخواست ابطال رأی داوری را به عمل آورده باشد و طرف دیگر تقاضای شناسایی یا اجرای آن را کرده باشد، دادگاه می‌تواند در صورت درخواست متقاضی شناسایی یا اجرای رأی، مقرر دارد که درخواست‌کننده ابطال تأمین مناسب بسپارد.» اصطلاح شناسایی با اجرا در کنار هم و در یک جایگاه بکار رفته‌اند. در صورتی که شناسایی به این معنی است که در صورتی که یک رأی داوری جهت حل و فصل اختلاف طرفین صادر شده باشد اما یکی از اصحاب دعوی مجدداً همان موضوع اختلاف را در دادگاه مطرح و درخواست رسیدگی نماید. در این صورت طرف مقابل به رأی داوری صادره استناد و درخواست شناسایی آن را دارد تا دادگاه وارد ماهیت نشده و بدلیل رسیدگی سابق وارد رسیدگی نشود (ردفن و همکاران، ۱۹۹۱، ۳۶۴).

اما اجرای رأی داوری بدین معنی است که محکوم‌له درخواست اجرای رأی داوری که به نفع ایشان صادر شده را از مراجع صالح قضایی کند. زمانی که دادگاه دستور اجرا صادر نماید به این معنا نیز هست که رأی داوری را نیز شناسایی کرده است.

۵-۲. سیستم‌های شناسایی آراء داوری

خارجی

با وجودی که اجرای آراء داوری خارجی در کشورهای مختلف تابع شرایط و تشریفات گوناگونی است ولی در واقع می‌توان سه سیستم مشخص را در این زمینه بررسی کرد.

الف- سیستم مختلط

در این سیستم داوری خارجی از طرفی مبتنی بر حقوق داخلی و رویه‌ی قضائی و از طرف دیگر مبتنی بر قراردادهای چندجانبه و دوجانبه است.

ب- سیستم شناسایی وسیع بدون اتکا به قراردادهای بین‌المللی

تفاوت اساسی بین آراء داوری داخلی و خارجی وجود نداشته و محکوم‌له رأی داوری اعم از داخلی و یا خارجی می‌تواند برای اجرای رأی به دادگاه صلاحیت‌دار مراجعه نماید.

ج- سیستم شناسایی محدود

در این کشورها که اکثراً به معاهدات بین‌المللی نیز نپیوسته‌اند، مقررات حقوق داخلی علی‌الاصول در راه اجرای آراء داوری و احکام محاکم خارجی ایجاد مشکلات می‌کند (وینسنت و همکاران ۱۹۸۵، ۱۲۳).

۵-۲-۱. سیستم مختلط یا فرانسوی

داوری در فرانسه تابع مقررات مواد ۱۰۲۸ الی ۱۰۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه است. رویه‌ی قضایی فرانسه به قبول شباهت رأی داوری با احکام محاکم تمایل دارد. از نظر طرفداران نظریه‌ی قضایی ملاک اصلی تعیین وابستگی رأی

قراردادی به رأی داوری آن را از حوزه‌ی تشریفات مشکل اجرای احکام محاکم و تجدیدنظر ماهوی خارج کرده و لاقلاً در زمینه‌ی شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی به سیستم آمریکایی تمایل پیدا کرده‌اند (بطحائی و شمس، ۱۳۹۵، ۶۵-۳۹).

۵-۲-۲. سیستم کامن‌لا (شناسایی وسیع)

در کامن‌لا اساساً اختلافی بین رأی داوری داخلی و خارجی وجود ندارد. نظر علمای انگلیس در رابطه با تعریف رأی داوری خارجی عبارت است از هر رأیی که در نتیجه یک رسیدگی داوری در خارج یا استناد یک قرارداد ارجاع به داوری که قرارداد مزبور تابع قانون خارجی باشد صادر گردیده باشد. بنابراین در کامن‌لا رأی داوری صادره در خارج بمنزله‌ی حکم محکمه تلقی نشده و اجرای آن تابع تشریفات اجرای احکام خارجی نمی‌باشد. به هر حال رأی داوری صادره در صورتی که طبق قانون محل صدور قطعی و الزام‌آور باشد در انگلیس قابل اجرا است. زیرا در این حالت دادگاه انگلیس با مسئله‌ی اجرای اصل قرارداد مواجه نیست بلکه دعوی به منظور اجرای رأی صادره در خارج مطرح شده و مادام که رأی مزبور طبق قانون محل صدور معتبر می‌باشد رسیدگی به مسئله‌ی بطلان اصل قرارداد خارج از موضوع مورد رسیدگی بوسیله دادگاه انگلیس است (نصیری، ۱۳۹۴، ۱۲۸).

۵-۲-۳. سیستم شناسایی محدود

در این سیستم که تشبیه رأی داوری خارجی به حکم محکمه‌ی خارجی است، باید رأی داوری

داوری کشور محل صدور است. اما عده‌ای دیگر طرفداران نظریه‌ی قراردادی کشور محل صدور را فقط در صورتی ضابطه تعیین وابستگی رأی می‌دانند که اصحاب دعوی بتوافق یکدیگر قانون دیگری را بغیر از قانون محل صدور حاکم بر رسیدگی داوران معین نکرده باشند و هر گاه اصحاب دعوی قانون کشور بخصوصی را ملاک رسیدگی قرار داده باشند در این صورت بنظر نظریه‌پردازان کشور مزبور را باید ملاک وابستگی رأی تلقی کرد. بنابراین طبق نظریه قضایی، وابستگی سرزمینی یعنی از آنجا که تأمین عدالت و صدور رأی همواره ناشی از قدرت حاکمه دولت است، بنابراین رأی داوری تنها به کشور محل صدور آن ارتباط دارد. بعلاوه ضابطه‌ی کشور محل صدور کاملاً مشخص بوده و همواره می‌توان به سادگی وابستگی رأی را به کشور بخصوصی معین کرد. اما در مورد نظر دوم نیز که طرفدارانی دارد و مورد پذیرش نیز هست، آراء داوری بر اساس توافق اصحاب دعوی به مراجعه به داوری صادر شده و نتیجه واجد جنبه‌ی قراردادی است. بنابراین هر گاه قرارداد داوری مزبور بر خلاف نظم عمومی نباشد صرف‌نظر از محل صدور واجد خصیصه‌ی الزام‌آور نسبت به اصحاب دعوی خواهد بود و به همین جهت آراء داوری صادره در خارج باید در فرانسه مانند آراء داوری داخلی و طبق همان ترتیبات مقرر با دستور رئیس دادگاه مورد شناسایی و اجرا واقع گردیده و لازم نیست که کلیه‌ی اعضای دادگاه رأی داوری مزبور را مورد بررسی قرار داده باشند. بدین ترتیب دادگاه‌های فرانسه با الصاق برچسب

خارجی قبلاً از طرف مرجع صلاحیت‌دار قضایی کشور محل صدور قابل اجرا اعلام شده و سپس به عنوان یک حکم محکمه خارجی تقاضای اجرای آن از آن کشور (کشور اجراکننده) بعمل آید. بنابراین محکوم‌له رأی داوری قبلاً باید از دادگاه محل صدور دستر اجرا را کسب کرده و سپس رأی مزبور را بعنوان یک حکم محکمه‌ی خارجی در آن کشور به مرحله‌ی اجرا بگذارد (گلاد، ۱۹۹۸، ۲۳۱).

۵-۳. اجرای رأی داوری خارجی در ایران

در قوانین و مقررات کشور ایران برای اجرای آرای داوری بین‌المللی و خارجی مقررات مشخصی وضع نگردیده است. در سال ۱۳۷۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی در راستای اجرای آراء داوری بین‌المللی با ایرادات و نواقص بسیار به تصویب رسید. از جمله مهمترین ایرادات طبق ماده ۲ و ماده ۳۵ قانون داوری تجاری بین‌المللی این است که فقط آرای داوری که مطابق مقررات این قانون صادر شود، مورد شناسایی و اجرا قرار می‌گیرد و خارج از آن در ایران قابلیت اجرایی ندارد. بنابراین برای اجرای آراء داوری باید از سایر قوانین و مقررات همچون قانون مدنی و اجرای احکام مدنی کمک گرفت و در بعضی موارد به کنوانسیون‌ها و معاهداتی رجوع کرد که ایران به آنها پیوسته است.

۵-۳-۱. کنوانسیون نیویورک

یکی از اولین اسناد اجرای احکام داوری در سطح بین‌المللی که بعضی کشورها به آن ملحق شده

بودند کنوانسیون ژنو-۱۹۲۷ است. هدف این کنوانسیون تسهیل اجرای احکام داوری موضوع پروتکل ۱۹۲۳ ژنو در مورد داوری بوده که با نظارت و حمایت جامعه ملل تدوین شده است. به دنبال نواقص و نارسایی‌هایی که در کنوانسیون ژنو وجود داشت و همچنین به لحاظ تحولات گسترده که داوری بین‌المللی یافته است، این فکر تقویت شد که موضوع اجرای احکام داوری نیازمند سند جدید بین‌المللی است که بتواند همگام با نیازها و مقتضیات جدید بوده و آنها را رفع کند. از همین رو به دنبال تلاش‌های شورای اقتصاد و اجتماعی سازمان ملل متحد^۱ و در کنار آن همکاری‌های اتاق بازرگانی بین‌المللی در تاریخ ۲۰ مه تا ژوئن ۱۹۵۸ کنفرانسی در مقر سازمان ملل متحد برگزار شد که هدف و موضوع آن عبارت بود از تهیه و تنظیم کنوانسیونی راجع به شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی که بعداً با همین نام و در ۱۰ ژوئن همان سال به تصویب رسید (۱۳۳۷/۴/۳ هجری شمسی) تا به حال ده‌ها کشور به آن ملحق شده‌اند. تا امروز، کنوانسیون اجرای احکام داوری (۱۹۵۸ - نیویورک) مهمترین سند بین‌المللی در داوری تجاری بین‌المللی است که به مسئله اجرای احکام داوری پرداخته است این کنوانسیون در مقایسه با کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو در مورد اجرای احکام، بسیار پیشرفته‌تر، کامل و وسیع‌تر و بالاخره از حیث جلب قبول کشورها حاوی امتیازات بیشتری است. معاهده نیویورک شامل ۱۶ ماده است و دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ

¹ UNITED NATIONS

۱۳۸۰/۱/۲۱ که مجلس شورای اسلامی معاهده را تصویب و در تاریخ ۱۳۸۰/۱/۲۹ به تأیید شورای نگهبان رسید، به این معاهده به موجب ماده واحده پیوست و متن‌های چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیولی آن از اعتبار یکسانی برخوردار بوده و به بایگانی سازمان ملل سپرده شده‌اند. ماده واحده:

۱- جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون را منحصراً در مورد اختلافات ناشی از روابط حقوقی قراردادی یا غیرقراردادی که حسب قوانین جمهوری اسلامی ایران تجاری محسوب می‌شوند، اعمال خواهد کرد. ۲- جمهوری اسلامی ایران فقط کنوانسیون را بر اساس رابطه متقابل، اعمال و احکامی را شناسائی و اجرا خواهد کرد که در قلمرو یکی از دولت‌های عضو کنوانسیون صادر شده باشد. تبصره- رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی در خصوص ارجاع به داوری الزامی است.

این کنوانسیون به استناد ماده ۹ قانون مدنی پس از تصویب در مجلس و شورای نگهبان در حکم قانون است که پس از قانون داوری تجاری بین‌المللی، با وجود دو شرط تصویب شده است که این شروط طبق اختیاری است که کنوانسیون به کشورهای متعاهد در هر زمانی داده که در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون تصریح شده و ایران نیز با لحاظ بند ج ماده ۱ و ماده ۲ ق.د.ت.ب. از آن اختیار استفاده و جزء شروط پذیرش خود بیان داشته است.

معیار خارجی بودن رأی داوری در کنوانسیون نیویورک طبق بند یک ماده یک به شرح ذیل می‌باشد:

۱- درخواست شناسایی و اجرا آراء داوری از کشوری غیر از کشور صادرکننده آراء داوری شده باشد (مقر داوری یا صدور رأی).

۲- در کشوری که تقاضای شناسایی و اجرا در قلمرو آن شده، با توجه به نظام حقوقی آن کشور، رأی داوری، داخلی محسوب نشود. این بند قلمرو اجرای کنوانسیون است.

در صورتی که طبق ماده یک ق.د.ت.ب.ت، یکی از طرفین رأی داوری در زمان انعقاد توافقنامه‌ی داوری تابعیت ایرانی نداشته باشد. بنابراین معیار خارجی بودن تابعیت است (جنیدی، ۱۳۸۱، ۳۶۰).

۵-۳-۲. ضرورت و شرط اجرای رأی داوری در ایران

شرط اجرای رأی داوری خارجی طبق ماده ۳۵ قانون داوری تجاری بین‌المللی. در ایران این است که آرای که مطابق این قانون صادر شده، قطعی و لازم‌الاجرا است. بنابراین اولین شرط برای شناسایی و اجرا، قبول لازم‌الاجرا بودن رأی پس از ابلاغ است. قبل از الحاق ایران به کنوانسیون نیویورک نظریه‌های مختلفی در رابطه با اجرای رأی داوری خارجی در ایران وجود داشت که همگی برگرفته از سیستم‌های شناسایی آراء داوری خارجی است.

از جمله دیدگاه‌های موجود در ایران سیستم شناسایی محدود بود که رأی داوری خارجی را مشابه حکم دادگاه خارجی دانسته و برای اجرای

۴-۵. موانع مشترک مندرج در کنوانسیون نیویورک و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران

از موانعی که برای شناسایی و اجرای آرای داوری نام برده شده است، تعدادی از آن‌ها در کنوانسیون نیویورک و قانون داوری تجاری ایران مشترک است. به همین دلیل برای امکان مقایسه‌ی بیشتر، نقطه نظرات هر دوی این اسناد، به بررسی آن به صورت موارد مشترک و غیرمشترک می‌پردازد.

۴-۵-۱. فقدان اهلیت

عدم اهلیت، یکی از موارد مهم موانع اجرای داوری است؛ چرا که با زیرسوال رفتن این معیار اساس و بنای یک قرارداد داوری سست و متزلزل می‌شود. شاید به همین دلیل هم اسناد بین‌المللی داوری هر کدام بر عدم اهلیت تأکید خاصی داشته‌اند؛ بنابراین عدم اهلیت نه تنها موجب فقدان یک قرارداد داوری معتبر می‌شود که از این منظر موجب عدم صلاحیت دیوان داوری هم می‌گردد.

معیار عدم اهلیت در قوانین ملی (داخلی) بیشتر کشورها و در بعضی اسناد بین‌المللی هم به تنهایی موجب ابطال رأی داوری می‌شود. در بیشتر نظام‌های حقوقی بحث «اهلیت یا عدم اهلیت» را زیرمجموعه‌ی اعتبار قرار داد می‌دانند.

هر چند خود این معیار یکی از موجبات مستقل اعتراض به رأی داوری تجاری بین‌المللی به شمار می‌رود؛ اما می‌توان گفت اعتبار قراردادی و از جمله‌ی آن اهلیت قانونی در تمام نظام‌های حقوقی دنیا یک اصل پذیرفته شده است؛ که برای اعتبار

آن قوانین مدنی و اجرای احکام مدنی کاربرد داشت. از جمله مواد ۹۷۱ تا ۹۷۵ قانون مدنی و مواد ۱۶۹ به بعد قانون اجرای احکام مدنی. در این صورت درخواست‌کننده اجرا باید همان شرایط را فراهم می‌کرد که برای اجرای حکم خارجی لحاظ می‌شد که قبلاً به صورت مبسوط بیان شده است. اما در رویه‌ی قضایی ایران گرایش دیگری نیز دیده شده و آن اینکه رأی داوری خارجی شبیه رأی داوری داخلی است. دستور اجرای مورخ ۱۳۷۸/۲/۵ شعبه سوم دادگاه عمومی تهران که به درخواست کارخانه «نورد و لوله فیشرنه دنه بروسک» علیه شرکت ایرانی «میم فیلتر» صادر گردیده و به صدور اجراییه منتهی شده است (جنیدی، ۱۳۸۱، ۳۶۲). اما عده‌ای هم رأی داور را در حکم سند تنظیمی در خارج می‌دانند و آن را مشمول ماده‌ی ۱۲۹۵ قانون مدنی می‌دانند. شعبه هفتم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۴۷۸ مورخ ۱۳۵۲/۱۰/۱۷ رأی داوری صادره از کشور خارجی را به سندی که در خارج تنظیم شده تشبیه کرده است «گرچه رأی داور نه در حکم رأی دادگاه است و نه سند رسمی است ولی به هر حال سندی است که در محل تنظیم خود بر پایه تشخیص دادگاه ماهوی صحیحا صادر گردیده و طبق ماده ۱۲۹۵ ق.م، محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در کشور خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آنجا تنظیم شده، دارا می‌باشد..» (شمس، ۱۳۹۷، ۱، ۱۶۳).

قرارداد طرفین آن بایستی واجد اهلیت برای انعقاد آن باشند (شهیدی، ۱۳۸۰، ۱۲۰). در غیر این صورت قرارداد منعقد بی اعتبار تلقی خواهد شد. در هر حال، هر شخصی (حقیقی یا حقوقی) که واجد اهلیت باشد، بر طبق قاعده‌ی کلی، واجد اهلیت برای انعقاد قرارداد معتبر است؛ که طبیعتاً واجد اهلیت برای انعقاد قرارداد دآوری نیز خواهد بود (ردف و هانتز، ۱۹۹۱، ۱۴۴).

۵-۴-۲. فقدان اهلیت در کنوانسیون

نیویورک ۱۹۵۸

عدم اهلیت در کنوانسیون نیویورک در ماده‌ی پنجم بند یک الف، در قسمت موانع شناسایی و اجرای آرا دآوری مطرح می‌شود. این قسمت از ماده علتی را بیان می‌کند که در واقع به خود اعتبار رأی برمی‌گردد. به این صورت که فقدان اهلیت، چه برای توافق بر دآوری و چه در صورت عدم وجود توافق بر دآوری اختیار رسیدگی به دعوا و صدور رأی را از داور و دیوان دآوری سلب می‌کند. بنابراین موضوع اهلیت، موضوعی علی حده در کنوانسیون نیویورک است که می‌تواند راساً موجب امتناع از شناسایی و اجرای رأی دآوری خارجی باشد.

موضوع اهلیت از مواردی است که حتی اگر توافق دآوری و روند دآوری خالی از اشکال هم باشد و بعد از صدور رأی آگاهی از عدم اهلیت طرفین به دست آید، باز هم از موجبات موانع اجرای رأی خواهد بود. در ادامه‌ی همین بند از کنوانسیون نیویورک، در خصوص اهلیت مقرر می‌دارد که «قانون قابل اعمال بر هر یک از طرفین» اهلیت آن‌ها را مشخص

خواهد کرد. در ضمن اینکه قواعد حل تعارض و اعتبار قرارداد دآوری را نیز مشخص می‌کند. با این بیان، کنوانسیون قاعده‌ی حل تعارض را آسان کرده و در پاسخ به اینکه کدام قانون حاکم بر موضوع اهلیت خواهد بود؟

مقرر دادگاهی که از آن درخواست اجرای رأی شده است را تعیین کرده است. پس با این حساب قانون واحد و روش یکسانی را برای تعیین قانون قابل اعمال بر اهلیت را ارائه نمی‌دهد و این مطلب را به قانون کشور محل درخواست اجرا حواله می‌کند. در حقیقت تهیه‌کنندگان پیش‌نویس کنوانسیون نیویورک موضوع قانون شخصی یا قانون قابل اعمال نسبت به طرفین را آزاد گذاشته‌اند تا با استفاده از قواعد حل تعارض دادگاه محل درخواست اجرای رأی، تعیین تکلیف شود. قانون شخصی یا قابل اعمال یعنی قانونی که خود طرفین، قرارداد را تحت شمول آن قرار داده‌اند. که در صورت نبود چنین توافقی کنوانسیون نیویورک قانون کشوری که رأی در آنجا صادر شده است را حاکم بر قرارداد می‌داند و آن قانون مسائل اهلیت را مشخص خواهد کرد.

یکی از مسائل مهم در باب اهلیت به اشخاص حقوقی و به طور کلی دولت‌ها و موسسات دولتی برمی‌گردد. در مورد این اشخاص مهمترین مسأله اثبات اختیار امضای موافقنامه‌ی دآوری بر اساس قانون قابل اعمال و مقررات اساسنامه شخص حقوقی از سوی کسی است که به ادعای نمایندگی شخص مزبور اقدام به امضای موافقنامه کرده است. قوانین کشورها در حقوق ملی خود ممنوعیت‌ها و

۵-۵. موانع مشترک مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۸ و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران ۵-۵-۱. قابل داوری نبودن دعوای موضوع موافقتنامه داوری

اختلافات طرفین گاهی فقط جنبه خصوصی ندارد و غیر قابل داوری بودن موضوع از آن دسته مواردی است که اختلافات طرفین حالت جنبه عمومی پیدا می‌کند. به جهت همین جنبه‌ی عمومی هم قانون‌گذاران کشورها بنا به مصلحت هر جامعه‌ای بعضی از انواع اختلافات را قابل حل و فصل از طرق خصوصی نمی‌دانند (گایارد و ساوج، ۱۹۹۹، ۳۳۱). بنابراین معیارهایی همچون غیر قابل داوری بودن را حاکمیت‌ها به منظور حفظ مصالح داخلی خود تصویب و مطرح می‌کنند (وان دن و جان، ۱۹۸۱، ۳۹۶). با در نظر گرفتن معیارهایی که هر کشوری ارائه می‌دهد، داوران باید ضمن در نظر گرفتن مصالح عمومی آن کشور به حل و فصل اختلافات رسیدگی کنند. شاید در عین حال این معیار، یک عامل بازدارنده در مواردی محسوب می‌شود اما در عین حال شاید این تصریح شدن در قوانین هر کشور یک حسن بزرگ را به همراه داشته باشد؛ این مزیت به این برمی‌گردد که این معیار عناوین قابل داوری را از غیرداوری مشخص می‌کند و همین کار را برای داوران راحت‌تر می‌کند (لیمن، ۲۰۰۴، ۹)؛ و در طول دادرسی بیم آن نمی‌رود که این رأی با مشکل اجرا به دلیل قابل داوری نبودن، مواجه شود.

در نهایت یکی از مفسرین برداشت جالبی از معیار «قابلیت داوری» در کشورهای مختلف ارائه

محدودیت‌هایی را برای مراجعه دولت به داوری در نظر گرفته‌اند.

طبیعتاً هر نقضی از این دسته مقررات موجب ادعای عدم اعتبار قرارداد داوری و عدم صلاحیت مرجع داوری توسط طرف دولتی قرارداد داوری می‌گردد. در رویه‌های بین‌المللی داوری برای نفی هرگونه ایرادات عدم اهلیت استناد به اصولی چون، حسن نیت، منع سوءاستفاده از حق، نظم عمومی فراملی می‌شود؛ هر چند در عمل به دلیل اینکه معمولاً اجرای رأی را محکوم‌له در کشور متبوع محکوم‌علیه که معمولاً محل استقرار اموال او است، می‌خواهد و دادرس برای اجرای رأی ملتزم به اعمال مقررات نظام حقوقی و رعایت قواعد امری مربوط به ممنوعیت رجوع دولت به داوری می‌شود و با کمال ناباوری با این استدلال قرارداد داوری را بی‌اعتبار و رأی صادره را غیر قابل اجرا اعلام خواهد کرد. چرا که در ماده‌ی پنج (۱) (الف) پیش‌بینی جلوگیری از اجرای رأی حتی پس از صدور شده است. بنابراین حتی اگر در جریان روند داوری موضوع عدم اهلیت هم مطرح شده باشد مجدداً امکان طرح این موضوع در دادگاه اجرای رأی هم وجود خواهد داشت.

در شرایطی دیگر ممکن است دولت‌ها به موضوع مصونیت قضایی دولت‌ها اشاره کنند که در پاسخ گفته شده است مصونیت قضایی دولت محدود به مواردی است که دولت‌ها در جایگاه حاکمیتی خود عمل کنند و نه وقتی دولت در جایگاه تجاری به عنوان یک تاجر عمل می‌کند (وان دن و جان، ۱۹۸۱، ۲۸۲-۲۸۰).

اینکه کدام قانون حاکم است نظریات متعددی وجود دارد:

۱- قانون حاکم بر موافقتنامه‌ی داوری

این دیدگاه در مقام بیان این است که، هر قانونی که حاکم بر قرارداد باشد همان به عنوان قانون کامل خواهد بود و در این قبیل امور هم باید به همان قانون استناد کرد. مخصوصاً در خصوص قرارداد داوری که طرفین خود با اراده قانون را مورد انتخاب قرار داده‌اند؛ بنابراین بیش از دیگر قوانین محدودیت‌های آن را نیز می‌دانسته‌اند و در نظر داشته‌اند. پس معقول به نظر می‌رسد که از عدم قابلیت داوری‌های قانون مذکور نیز با خبر بوده‌اند. بعضی نویسندگان معتقدند که باید قانون منتخب طرفین برای تعیین قابلیت داوری ملاک قرار گیرد (گرانزم، ۱۹۹۶، ۱۹۲).

۲- قانون کشور محل اجرای رأی داوری

استفاده از این قانون در عمل بسیار محتمل است؛ همانطور که اشاره شد کشورها مخصوصاً وقتی حکمی جنبه‌ی اجرایی در کشورشان پیدا می‌کند بیش از پیش اصرار دارند که از قوانین ملی داخلی خود را حاکم کنند تا در امور اجرایی با مسئله حادی مواجه نشوند (لیمن، ۲۰۰۴، ۱۶). از همین باب هم در اکثر اسناد بین‌المللی داوری تأکید شده است که اگر قانون محل اجرای رأی داوری موردی را نپذیرفته باشد همین موضوع از جهات امتناع از اجرا و شناسایی رأی داوری خواهد بود (وان دن و جان، ۱۹۸۱، ۳۸۲).

می‌نماید. او معتقد است حیطه و قلمرو داوری در هر حاکمیتی، به میزان زیادی به اعتمادی که به این نهاد غیرحکومتی دارند، برمی‌گردد. هر چقدر حاکمیت به این اعتماد رسیده باشد که نهاد داوری حساسیت‌های داخلی را می‌شناسد و قطعاً در جهت آن حرکت خواهد کرد، این قلمرو گسترده‌تر خواهد بود (گایاد و ساوج، ۱۹۹۹، ۳۳۱).

قابلیت داوری در قسمت الف از بند دوم ماده‌ی پنجم کنوانسیون نیویورک به این صورت عنوان شده است: «الف: موضوع/اختلاف به موجب قانون آن کشور/از طریق داوری قابل حل و فصل نباشد.» و در ماده‌ی قسمت اول ماده‌ی ۳۴ نیز به این صورت مطرح شده است: «در صورتی که موضوع اصلی اختلاف به موجب قوانین ایران قابل حل و فصل از طریق داوری نباشد.» با مقایسه این دو بند از دو قانون مذکور، متوجه شباهت بیان میان آنها می‌شویم؛ برداشت از این دو بند مطابقت مفاد این دو را کاملاً نشان می‌دهد. در هر دو دادگاه محل اجرا حکم یا محل صدور رأی داوری احراز کند که موضوع اختلاف به موجب قانون آن کشور از طریق داوری قابل حل و فصل نیست.

۵-۶. قانون حاکم بر قابلیت داوری

در این مورد هر کشوری خواهان مستند قرار گرفتن قوانین داخلی خود است؛ چرا که با استناد به قوانینی که خود طراح آن بوده است احساس امنیت بیشتری برای منفعت و مصلحت عمومی در کشورش دارد (لیمن، ۲۰۰۴، ۱۶). برای تعیین

۳- قانون کشور مبداء رأی داوری

طبیعی است که دادگاه صادرکننده رأی هم هنگام رسیدگی قانون متبوع خود را در نظر بگیرد (لیمن، ۲۰۰۴، ۱۶). و بسیار پیش می‌آید که دادگاه مبداء نیز در هنگام بررسی قابلیت داوری یک اختلاف بین‌المللی قانون خود را اعمال می‌کند. این موضوع در قوانینی چون قانون نمونه تصریح شده است (گایارد و ساوج، ۱۹۹۹، ۳۳۰). برای همین هم بسیاری بر این باورند که این موضوع در کنوانسیون نیویورک هم به این صورت خواهد بود. و عملاً نیز در بیشتر دیوان‌های داوری قانون کشوری که دیوان در آن مستقر است یعنی قانون مقر داوری مستند برای قابلیت داوری قرار می‌گیرد (لیمن، ۲۰۰۴، ۲۳-۲۲). البته این نظر با داوری‌هایی که اساساً دارای حل نیستند یا مجازی هستند در تضاد قرار دارد (لیمن، ۲۰۰۴، ۲۴)؛ و باز مخالفان بر این اعتقاد هستند که گاهی محل صدور فقط در حد یک مکان است و تأثیری در روند دادرسی آنقدر ندارد که قوانین آنجا بخواهد قابل داوری بودن یا نبودن را تعیین کند (لیمن، ۲۰۰۴، ۲۳-۲۴).

۵-۷. بررسی تطبیقی نظم عمومی در قانون

داوری تجاری ایران و کنوانسیون نیویورک

در ابتدای موضوع «نظم عمومی» (بند اول)، به دو ماده‌ی ۳۴ بند دوم قانون داوری تجاری و (ب) (۲) ۵ از کنوانسیون نیویورک اشاره شد؛ با این وجود با جمیع توضیحاتی که گفته شد، چند نکته را نیز اضافه می‌کنیم:

بند ۲ ماده‌ی ۳۴ قانون داوری تجاری ایران مخالفت مفاد رأی داوری با نظم عمومی کشور را از موجبات بطلان رأی داوری بر شمرده است. بر طبق این مقرر در صورتی که مفاد رأی داوری بر خلاف نظم عمومی ایران باشد، رأی صادره واجد وصف بطلان خواهد بود.

نکته دیگر اینکه در این قانون در کنار عنوان عام نظم عمومی که موجبی برای ابطال رأی است از اصطلاح «اخلاق حسنه» هم استفاده شده است که به نظر بیشتر مفسرین این اصطلاح اخیر زائد و غیر ضروری به نظر می‌رسد. به این دلیل که آنچه با اخلاق حسنه منافات داشته باشد، با نظم عمومی هم مخالف است (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۲۵۶). در حقیقت اخلاق حسنه از مهمترین ملاحظات و مفاهیم نظم عمومی بوده که در آن مستتر هم است (کاتوزیان، ۱۳۹۹، ۱۸۰)؛ که نه تنها در ایران بلکه در تمام کشورهای دنیا و نظام‌های حقوقی مختلف از ارکان اساسی این مفهوم به شمار می‌رود (جنیدی، ۱۳۸۷، ۳۴۴-۳۴۳). بدین صورت قید کلمه «اخلاق حسنه» در ماده مذکور زائد بوده و نظر به اینکه ممکن است برای طرفین داوری تجاری بین‌المللی به ویژه طرف‌های خارجی ایجاد ابهام نماید، بهتر است حذف گردد.

در کنوانسیون نیویورک، ماده‌ی (ب) (۲) ۵ به موضوع نظم عمومی اشاره دارد؛ مفسرین این سند بین‌المللی، معیار نظم عمومی درج شده در این سند را بسیار گسترده و وسیع می‌دانند؛ در عین

حال برخی نیز وجود این معیار را «شرط فرار» یا «سوپاپ اطمینان» کنوانسیون نیویورک می‌دانند. ماده‌ی اخیر کنوانسیون نیویورک به یک کشورها اجازه می‌دهد که آرا داوری را که مغایر با نظم عمومی آن کشور هستند را رد کند. بر اساس کنوانسیون نیویورک ملاک، نظم عمومی کشوری است که رأی در آن مورد استناد قرار گرفته است (وان دن و جان، ۱۹۸۱، ۳۹۸). همچنین کنوانسیون به نظم عمومی کشوری اشاره می‌کند که در آن تقاضای شناسایی و اجرای رأی داوری به عمل آمده است و اشاره‌ای به نظم عمومی فراملی نمی‌کند. لذا «نظم عمومی فراملی» در کنوانسیون نیویورک، جایگاهی ندارد.

۶. نتیجه

یکی از روش‌های فصل خصومت بین افراد بخصوص بازرگانان برای حل سریعتر و ارزانتر رجوع به داوری است. داوری داخلی طبق قانون آیین دادرسی مدنی شناسایی شده است اما در مورد آرای داوری خارجی نظرات متعدد است و نظریه واحدی و رویه‌ای مشخص وجود ندارد. در حال حاضر عده‌ای نظر دارند که رأی داوری خارجی حکم خارجی است و باید از طریق قانون اجرای احکام مدنی بررسی شود، بعضی حقوقدانان بر این نظرند که رأی داوری خارجی مانند رأی داوری داخلی است بنابراین باید طبق قانون آیین دادرسی مدنی و مثل مبحث داوری اجرا شود که قبول یا رد آن قابلیت اعتراض ندارد. پس از تصویب قانون داوری تجاری

بین‌المللی عده‌ای عقیده داشتند که طبق این قانون رأی داوری قابل شناسایی و اجرا است. در سال ۱۳۸۰ ایران به کنوانسیون نیویورک ملحق شده و با توجه به ماده ۹ قانون مدنی، در حکم قانون است. آیین شناسایی و اجرای رأی داوری خارجی در این کنوانسیون تصریح شده است و شرایط شناسایی و اجرای رأی داوری خارجی در کنوانسیون سهل‌تر و آسان‌تر از شرایط اجرای احکام مدنی ایران است. بنابراین ضرورت اجرای رأی داوری در این بیش از پیش احساس می‌گردد.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

¹ Escape Clause

² Safety Valve

منابع

- کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی، تهران، دادگستر، ۱۳۹۹.

- نصیری، مرتضی، شناسایی و اجرای احکام محاکم خارجی، تهران، ۱۳۹۴.

منابع لاتین

- Gaillard E, Savage J, "Fouchard, Gaillard, Goldman on International Commercial Arbitration", Kluwer Law International, 1999.

- Gillard E, "l'execution des sentences annulees dans leur pays d'origine: l'experience francaise", 14th ICCA congress, Paris, 1998.

- Grantham W, "The Arbitrability of International Intellectual Property Disputes", 14 Berkeley J. Int L, 1996.

- Lehmann M, "A Plea for a Transnational Approach to Arbitrability in Arbitral Practice", 42 Colum. J. Transnat, 2004.

- Redfern A, Hunter M, Law and Practice of International Commercial Arbitration, London, Sweet & Maxwell, 1991.

- Redfern A, Hunter M, Smith M, Traduit de l'anglais par Eric Robine, Droit et Pratique de l'arbitrage commercial international, 1991.

- Van Den B, Jan A, "The New York Arbitration Convention of 1958", Kluwer Law and Taxation Publishers, 1981.

- Vincent J, Montagnier G, Varinard A, La Justice et Ses Institution, 2^e, Paris, Dalloz, 1985.

- بطحائی، سید فرهاد، شمس، عبدالله، «معیار تشخیص استقلال و بی‌طرفی داور»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره هفتاد و هفت، ۱۳۹۵.

- جنیدی، لعیا، اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۱.

- جنیدی، لعیا، اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی، تهران، شهر دانش، ۱۳۸۷.

- دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

- زاهدیان، مجتبی، بزمی مایوان، احسان، «اجرای آراء دادگاه‌های ملی به عنوان رأی داوری در پرتو کنوانسیون نیویورک»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و حقوق کیفری، شماره چهل و نه، ۱۴۰۰.

- شمس، عبدالله، اجرای احکام مدنی، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۹۷.

- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات، چاپ اول، تهران، حقوق دان، ۱۳۸۰.

- کاتوزیان، ناصر، فلسفه‌ی حقوق، جلد سوم - منطق حقوق، چاپ اول، تهران، انتشارات سهامی انتشار، ۱۳۹۰.